

نامزد من خواست مرا رها کند او را کشتم

مرد زندانی که به اتهام قتل نامزدش به قصاص محکوم شده و در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، با جلب رضایت اولیای دم، از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد.

ایران نوشت: مرداد سال گذشته مردی 48 ساله در تماس با اورژانس مدعی شد نامزدش سحر را با ضربه‌های چاقو مجروح کرده است. بعد از این تماس امدادگران اورژانس به محل اعلام شده رفتند و پس از بررسی‌های اولیه از آنجا که مصدوم هوشیاری نداشت و خون زیادی از دست داده بود بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کردند. اما زن جوان ساعتی بعد به خاطر شدت جراحات وارده تسلیم مرگ شد.

با مرگ سحر مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و مرد جوان در همان ابتدای تحقیقات به قتل نامزدش اعتراف کرد و گفت: چهار سال پیش با سحر آشنا شدم و به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم با هم نامزد کردیم و قصد داشتیم باهم ازدواج کنیم. اما چند ماه قبل به رفتارهایش مشکوک شدم و فکر کردم که او به من خیانت می‌کند به همین خاطر به خانه‌اش در نارمک رفتم و از او توضیح خواستم ولی جواب‌هایش قانع‌کننده نبود و من او را با چاقو زدم.

با اعتراف صریح متهم، وی صحنه جرم را بازسازی کرد و با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم توانست رضایت اولیای دم را جلب کند.

به این ترتیب او از جنبه عمومی جرم در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه متهم که فوق لیسانس ادبیات فارسی دارد به جایگاه رفت و گفت: ۶ سال قبل برای کار از شهرستان به تهران آمدم و مدتی با ماشینم کار و مجردی زندگی می‌کردم تا اینکه بعد از دو سال با سحر آشنا شدم. او به تازگی از همسرش جدا شده بود. کم کم به او علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم با جمع کردن پول‌هایم خانه‌ای مناسب تهیه و سپس با سحر ازدواج کنم. از آنجا که به او اعتماد کامل داشتم پول‌هایم را که حدود 70 - 80 میلیون تومان بود به سحر دادم

تا برایم نگه دارد. اما بعد از چند ماه رفتارش تغییر کرد. من که به او مشکوک شده بودم به‌طور نامحسوس او را زیرنظر گرفتم.

یک روز سحر به من گفت که قصد دارد برای دیدن خانواده‌اش به شهرستان برود. من هم باور کردم اما چند روز بعد همسایه‌اش وقتی من را دید، گفت: سحر در این مدت تهران بوده و شب گذشته هم یک مرد غریبه که خودروی تیبای مشکی داشته در خانه‌اش میهمان بوده است. حرفهای مرد همسایه آنقدر عصبانیم کرد که تا چند دقیقه نمی‌دانستم باید چه کار کنم. همان لحظه تصمیم به خودکشی گرفتم.

وی افزود: همان‌طور که با ماشین در خیابان می‌چرخیدم و فکر می‌کردم به پمپ بنزین رفتم و از یکی از دوستانم که آنجا کار می‌کرد چاقویی گرفتم و به سمت خانه سحر رفتم.

قاضی از متهم پرسید: می‌خواستی خودکشی کنی یا نامزدت را بکشی؟

متهم جواب داد: نه می‌خواستم جلوی چشمان سحر خودم را بکشم. وقتی وارد خانه‌اش شدم، موضوع را گفتم و او خیلی خونسرد به من گفت که دیگر علاقه‌ای به من ندارد و می‌خواهد که رابطه‌مان را تمام کند. من هم به او گفتم پول‌هایی که به تو داده‌ام را پس بده که طفره رفت و گفت پولی نزد من نداری. آنقدر جوابش عصبانیم کرد که در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و با چاقو چند ضربه به او زدم. چند ثانیه بعد از کارم پشیمان شدم و به سرعت با اورژانس تماس گرفتم.

متهم درحالی که اشک می‌ریخت، گفت: آقای قاضی من او را دوست داشتم و چهارسال با خیال این که او همسر آینده‌ام می‌شود زندگی کردم. اما او با حرف‌هایی که لحظه آخر به من زد نابودم کرد. کاش به حرفهای مرد همسایه توجهی نمی‌کردم. قصدم کشتن نامزدم نبود. حالا هم پشیمانم. من با پرداخت دیه توانستم رضایت اولیای دم را جلب کنم. حالا از قضات دادگاه درخواست می‌کنم در حد امکان در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

با پایان اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

****کامران علمدهی**